

تأثیر ویرانگر قطع صادرات نفت ایران بر اقتصاد چین

قطع کامل جریان نفت تهران مثلث آمریکا-چین-ایران را بازتعریف خواهد کرد. برای پکن، این موضوع بر دامنه قدرت تحریمی آمریکا تأکید می‌کند، اما همچنین تلاش‌ها برای حذف دلار و تنوع‌بخشی را تسریع خواهد کرد. برای تهران، این به معنی از دست دادن فلج‌کننده آخرین مشتری بزرگش خواهد بود.

به گزارش **مشعل نیوز**، بازگشت ناگهانی اجرای تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایران تأثیر ویرانگری بر اقتصاد چین خواهد داشت. اگر نفت ایران - که تحت تحریم‌های سنگین است اما برای چین حیاتی به شمار می‌رود - ناگهان جریان‌ش متوقف شود، چه رخ خواهد داد؟ فشار ایالات متحده و احتمال «بازگشت سریع» تحریم‌های سازمان ملل می‌تواند صادرات مخفیانه نفت خام ایران را خفه نموده، امنیت انرژی پکن را آزمایش کند، هزینه‌های صنعت آن را افزایش دهد و در یک رویارویی ژئوپلیتیک حساس، ضربه مالی به تهران وارد آورد.

صادرات نفت ایران در سال‌های اخیر با وجود تحریم‌های آمریکا مرتبط با برنامه هسته‌ای‌اش، به‌طور چشمگیری بازگشته است. پس از سقوط به سطحی کم‌سابقه در ۴۰ سال اخیر و حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰، صادرات تا حدود ۱.۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۳ بازیابی شد و در سال ۲۰۲۴ تا نزدیک ۱.۵ میلیون بشکه در روز اوج گرفت. با این حال، پس از بحران‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۲۵ این رقم کاهش یافت و فروش‌ها بار دیگر کاهش پیدا کرد. با وجود این نوسانات، چین به‌طور قاطع خریدار اصلی باقی مانده و در حدود ۹۰ درصد از کل صادرات نفت ایران را خریداری می‌کند. برای جذب خریداران، ایران نفت خود را با تخفیف‌های سنگین نسبت به نرخ‌های بازار می‌فروشد. اواخر سال ۲۰۲۳، نفت شاخص ایران حدود ۱۳ دلار در هر بشکه پایین‌تر از معیار برنت معامله می‌شد، تخفیفی چشمگیر معادل حدود ۱۵ درصد که به خریداران چینی در مجموع حدود ۱۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی در واردات نفت تحریم‌شده در سال ۲۰۲۳ فراهم کرد.

این تجارت توسط «ناوگان سایه» نفتکش‌هایی تسهیل می‌شود که منشأ خود را پنهان می‌کنند و اغلب نفت خام ایرانی را برچسب‌گذاری مجدد کرده و معرفی می‌نمایند. در نتیجه، در حالی که آمار رسمی گمرک چین نشان‌دهنده هیچ وارداتی از ایران نیست، واردات آن از «یک کشور دیگر» به‌طور قابل‌توجهی فراتر از ظرفیت تولید واقعی آن کشور افزایش یافته است که نشان‌دهنده وسعت این تجارت سری است.

برای چین، بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام در جهان، نفت ایران به یک

دارایی استراتژیک تبدیل شده است. این نفت تامین‌کننده‌ای ارزان و قابل‌اطمینان برای پالایشگاه‌های مستقل «قوری‌Teapot» در استان شاندونگ است که با نفت خام تخفیف‌خورده رونق می‌گیرند و حدود یک‌چهارم ظرفیت پالایش چین را تشکیل می‌دهند. اگر محموله‌های مخفی‌شده نیز حساب شوند، ایران اکنون سومین منبع بزرگ واردات نفت خام چین است، سهم قابل‌توجهی از کل تامین آن را فراهم می‌کند و یک آسیب‌پذیری حیاتی ایجاد می‌نماید.

سناریوی شوک بازگشت سریع تحریم‌ها وقفه ناگهانی این تجارت -چه ناشی از تشدید اجرای تحریم‌ها توسط آمریکا باشد و چه از «بازگشت قوری» تحریم‌ها توسط سازمان ملل- شوک عرضه‌ای قوری را به بار خواهد آورد. حذف حجم صادرات فعلی ایران که برای سال ۲۰۲۵ حدود ۱.۳ میلیون بشکه در روز برآورد شده، شکاف قابل‌توجهی در سبد واردات چین ایجاد خواهد کرد. پیامدهای کلان‌اقتصادی سریع و دردناک خواهند بود. مستقیم‌ترین تأثیر، از دست رفتن تخفیف بالای قیمت خواهد بود. بر اساس سطوح صادرات کاهش‌یافته در ۲۰۲۵، میانگین تخفیف ۱۰ تا ۱۴ دلار در هر بشکه به یک افزایش مستقیم هزینه واردات چین معادل روزانه ۱۳ تا ۱۸ میلیون دلار منجر می‌شود. سالانه این مبلغ ضربه‌ای قابل‌توجه بین ۴.۷ تا ۶.۶ میلیارد دلار به قبض انرژی آن می‌زند. این صرفاً یک عدد گردش نیست؛ این حکم مالی مستقیمی بر اقتصاد چین است. این ضربه مالی شوکی تورمی قوی ایجاد می‌کند. افزایش هزینه‌های انرژی و خوراک، در سراسر اقتصاد منتشر شده و حاشیه سود تولیدکنندگان پتروشیمی، سازندگان پلاستیک و صنایع سنگین را تحت فشار قرار می‌دهد. این وضع در زمانی رخ می‌دهد که پکن پیش از این برای مقابله با فشارهای کاهنده قیمتی و احیای رشد کند پس از همه‌گیری کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند. جهش در هزینه‌های انرژی مانند مالیات مستقیمی بر تولید صنعتی و مخارج مصرف‌کننده عمل کرده و می‌تواند تنها در سال اول بین ۰.۳ درصد تا ۰.۵ درصد از هدف رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین را کاهش دهد. برای پالایشگاه‌های مستقل کوچک (قوری) که پیرامون این نفت ارزان شکل گرفته‌اند، این شوک می‌تواند مساله‌ای وجودی بوده و خطر تعطیلی و اختلال در تامین سوخت منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد.

گزینه‌های محدود

چین ابزارهایی برای کاهش ضربه در اختیار دارد که عبارتند از: استفاده از دیگر صادرکنندگان؛ افزایش واردات از تولیدکنندگان اوپک‌پلاس که ظرفیت خالی دارند، مانند عربستان و عراق، یا هدایت بخش بیشتری از عرضه روسیه.

استفاده از ذخایر استراتژیک؛ ذخیره بیش از ۹۰۰ میلیون بشکه‌ای پکن پوشش وارداتی چندماهه‌ای فراهم می‌کند.

تنوع‌بخشی انرژی؛ تسریع گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر، گاز طبیعی و خودروهای برقی برای کاهش وابستگی به نفت. برای تهران، از دست دادن بازار چین فاجعه‌بار خواهد بود. چین تقریباً همه صادرات نفتی

ایران را تشکیل می‌دهد. بدون این بازار، ایران با بحران مالی، فشار بر ارز و تکیه عمیق‌تر بر شبکه‌های غیرقانونی مواجه خواهد شد. ایران ممکن است مجبور شود با تخفیف‌های سنگین‌تر به قاچاقچیان یا معاملات ناگزیر مبادله‌ای تن دهد که درآمدهای دولت را در زمانی که اقتصاد رو به افول است، بیش از پیش تحلیل می‌برد. از منظر راهبردی نیز ایران نفوذ خود را از دست خواهد داد، زیرا شراکتش با پکن عمدتاً بر پایه نفت است. وابستگی متقابل مسلح

قطع کامل جریان نفت تهران مثلث آمریکا-چین-ایران را بازتعریف خواهد کرد. برای پکن، این موضوع بر دامنه قدرت تحریمی آمریکا تأکید می‌کند، اما همچنین تلاش‌ها برای حذف دلار و تنوع‌بخشی را تسریع خواهد کرد. برای تهران، این به معنی از دست دادن فلج‌کننده آخرین مشتری بزرگش خواهد بود.

اما پیامدها فراتر از اقتصاد است. بازگشت ناگهانی (تحریم‌ها) چین را در تقابل مستقیم با رژیم تحریم‌های واشنگتن قرار می‌دهد و محدودیت مانور پکن در برابر تسلط مالی آمریکا را آشکار می‌سازد. تحمیل تازه ۵۰ درصد تعرفه از سوی دولت ترامپ بر کالاهای هندی به‌خاطر خرید نفت تحریمی روسیه، هشدار به سمت پکن درباره ایران بود. این وضعیت همچنین آمادگی چین را برای حمایت دیپلماتیک از ایران می‌تواند محک بزند، چه از طریق لابی‌گری در شورای امنیت سازمان ملل و چه تلاش برای تضعیف اجرای تحریم‌ها از طریق نهادهای جایگزین. چنین مانورهای شکاف راهبردی بین واشنگتن و پکن را عمیق‌تر می‌کند، در حالیکه اگر چین در نهایت ثبات روابط گسترده‌تر خود با آمریکا را بر هر چیز دیگری ارجح بداند، تهران را حتی منزوی‌تر خواهد کرد. نتیجه این خواهد بود که چین با هزینه‌های بالاتر واردات مواجه می‌شود و ایران بیش از همه زیان صادراتی خود را متحمل می‌شود. در ژئوپلیتیک انرژی امروز، طناب‌های نجات می‌توانند شکننده و به‌سرعت به‌عنوان سلاح به‌کار گرفته شوند.